

روش‌های غیرمستقیم تربیتی از نظر آیات و روایات

عبدالحمید محمدی^۱

محمد آصف رجا^۲

چکیده

روش غیرمستقیم تربیت به این معناست که پیام‌دهنده از گفتگوی رودررو با دیگری خودداری می‌کند؛ این با به خاطر دشمنی است که با او دارد و او را لایق برای سخن گفتن مستقیم با خود نمی‌بیند؛ مانند بسیاری از خطاب‌های قرآنی در رابطه با کافران که پیام الهی به واسطه پیامبر (ص) و در خطاب با آن حضرت به آنان ابلاغ گردیده است. یا به این جهت است که شخص مربی می‌خواهد پیام خویش را نه با صراحت، بلکه به صورت سربسته به شخص مورد تربیت منتقل کند که آن شخص یا گروه، خطاب را متوجه خود احساس کند، ولی از تحریک احتمالی احساسات و عواطف آن‌ها و احیاناً مقاومت در پذیرش آن نیز جلوگیری شده باشد. هدف این تحقیق، بررسی روش‌های غیرمستقیم تربیتی با بهره‌گیری از آیات و روایات بوده است. فهم روش‌های تربیتی بر اساس دستورات دینی در جامعه دینی یک ضرورت انکارناپذیر است. موضوع تحقیق با استفاده از روش تحلیلی استنباطی بررسی شده است و داده‌ها با استفاده از مطالعه کتابخانه‌ای جمع‌آوری گردیده‌اند.

واژگان کلیدی: روش، غیرمستقیم، تربیت، تربیت دینی، آیه، روایت.

۱. گروه تفسیر و علوم قرآن، جامعه المصطفی العالمية، کابل، افغانستان.

۲. گروه تفسیر و علوم قرآن، دانشکده علوم اسلامی، دانشگاه بین‌المللی المصطفی، کابل، افغانستان.

مقدمه

قرآن کتابی است الهی که برای هدایت و تربیت انسان‌ها نازل شده است، در طول قرن‌های متمادی با روش‌های مختلف، همچون ستاره‌ای پرفروغ به زندگی انسان‌ها معنا بخشیده است.

ضرورت اقتضا می‌کند که بیش از هر زمان دیگر توجه عمیق به روش‌های تربیتی به‌خصوص روش‌های غیرمستقیم تربیتی با توجه به آیات قرآن کریم و روایات معصومین صورت گیرد. بحث از روش‌های غیرمستقیم تربیتی باآنکه در زندگی روزمره انسان سازندگی زیاد دارد، اما با تأسف در نظام اکادمیک کشور آنچنان که باید مورد توجه اصولی قرار نگرفته است.

در نوشته پیشرو دغدغه اصلی این بوده که انسان چه روش‌های را در جامعه و زندگی خود در پیش گیرد که علاوه بر انجام وظایف دینی، در جامعه نیز الگویی نمونه و نماد شود. لذا در این تحقیق کوشش شده است تا از لابه‌لای آیات و روایات و با استفاده از منابع معتبر تفسیری و روایی، روش‌های غیر مستقیم تربیتی استنتاج و استخراج گردد.

آموزش غیرمستقیم وضو به پیرمردی که وضوی آن باطل بود، از سوی امام حسن و امام حسین^(ع)، تأکید فراوان روان‌شناسان بر این روش، روایت رسیده از امام صادق^(ع): «كُونُوا دُعَاةَ النَّاسِ بِغَيْرِ السَّنَتِكُمْ»، گفته‌هایی ادبی همچون «الْكُنَايَةُ أَبْلَغُ مِنَ التَّصْرِيحِ»، ضرب المثل «به در بگو تا دیوار بشنود» و غیره، همه بر به‌کارگیری روش غیرمستقیم در تعلیم و تربیت تأکید می‌ورزند.

۱. اهمیت روش‌های غیرمستقیم تربیتی

انسان از بدو خلقت با فطرت خوب و با فطرت الهی به دنیا می‌آید: «كُلُّ مَوْلُودٍ يُوَلَّدُ عَلَى الْفَطَرَةِ» (ابن ابی‌جمهور، ۱۳۷۴، ص ۳۵)؛ که همان فطرت صراط مستقیم، فطرت اسلام، فطرت توحید است. این تربیت‌هاست که یا همین فطرت را شکوفا می‌کنند؛ و یا جلوی شکوفایی فطرت را می‌گیرند. این تربیت‌هاست که یک کشور

را ممکن است به کمال مطلوبی که مقصد هر جامعه انسانی است برسانند و یا انحطاط آن را سبب شوند (امام خمینی، ۱۳۸۱، ص ۴).

در مصاحبه‌ای که با استاد تقوی صورت گرفت ایشان حدیث شریف «كُونُوا دُعَاةَ النَّاسِ بِغَيْرِ اِلْسِنَتِكُمْ» (کلینی، ۱۴۰۳ ق. ص ۱۰۵) را محور سخن خود قرار داده و افزودند که روش‌های غیرمستقیم در امر تربیت، هم تأثیرش نسبت به روش مستقیم بیشتر است، هم ماندگارتر و کاربردی‌تر است. وی افزودند قصه‌های قرآنی نیز مبین همین مطلب است و خداوند متعال در کتاب خود برای اینکه به احساسات کسی برنخورد، از قصص و داستان‌های زندگی انبیاء و امم سلف یادآوری کرده است. ایشان ضمن بیاناتش یادآوری کردند که یکی از خوبی‌های روش غیرمستقیم تربیتی، این است که هیچ‌گاه مربی را وادار به عکس‌العمل نمی‌کند و احساسات مربی را نسبت به مربی تحریک نمی‌سازد. در حالی که برای روش‌های مستقیم تربیتی، قبول رهنمودهای مربی از سوی مربی ضعیف بوده و عکس‌العمل مربی، محتمل است. استاد اعتمادی با تأکید بر اهمیت و جایگاه بزرگ روش‌های غیرمستقیم تربیتی، یکی از کاربردهای روش غیرمستقیم تربیتی را در بحث‌های اختلافی میان فرقه‌های اسلامی می‌داند. وی افزودند مثلاً اگر بحثی در کلاس درسی یا جایی پیش بیاید که بیان صریح آن بحث در آن موقعیت برای استاد یا مبلغ مشکل و دشوار باشد، مثل اینکه به حرمت کسی، یا فرقه‌ای، یا گروهی خدشه وارد سازد، بایسته است که از روش‌های غیرمستقیم بهره گرفته شود؛ امکان دارد بیان صریح و مستقیم آن مطلب، یک تعداد را علیه استاد یا مبلغ تحریک کرده و بشورانند. در رابطه به چنین موضوعی برای مبلغ لازم و ضروری است که چنین مطلب اختلافی را با استفاده از روش‌های غیرمستقیم، طوری برای دانشجویان و مستمعین بیان دارد که ارزش‌های اعتقادی تمام فرقه‌ها، گروه‌ها، مذاهب، جریان‌ها اجتماعی، سیاسی و... حفظ شده و مورد هتک حرمت واقع نگردد.

۲. کاربردهای روش غیرمستقیم در تعلیم و تربیت

۲-۱. به لحاظ فردی

در این قسمت از پژوهش سعی شده است تا چگونگی کاربرد روش غیرمستقیم در تعلیم و تربیت تبیین و توضیح داده شود. استفاده از روش غیرمستقیم در تعلیم و تربیت به معنایی کنار گذاشتن گفت‌وگو و تعامل نیست. هرکدام از این موارد، عهده‌دار وظیفه خاص در امر تعلیم و تربیت است. روش غیرمستقیم در تعلیم و تربیت باید به‌منظور تنظیم نظام آموزشی به کار رود؛ به این معنا که استاد در تعلیم و تربیت نباید تمام وقت خود را به پر کردن مغز متربی از طریق انتقال اطلاعات اختصاص دهد (چرا که می‌دانیم انتقال اطلاعات فقط از طریق سخن گفتن کار شایسته نیست، زیرا برخی اوقات شخصیت دادن به روش غیرمستقیم برای کسی، خود یکی از راه‌های انتقال اطلاعات است)؛ بلکه گاهی باید فرصتی برای متربی ایجاد گردد تا خود اطلاعات دریافت شده را تجزیه و تحلیل کرده و آن‌ها را برای کار کشیدن آماده ساخته و به تعبیر قرآن تفقه کند.

در نظام آموزشی رسمی کشور، بر اساس مشاهده میدانی محقق، برای روش غیرمستقیم تربیتی به لحاظ شخصیتی، هیچ جایگاهی پیش‌بینی نشده است؛ نه در محتویات آموزشی، نه در سامان‌دهی ساعات درس، نه در روش تدریس معلمان، نه حتی در فعالیت‌های فوق‌برنامه و نه در سازمان و مراکز عالی امور تعلیم تربیت. افزون بر این، برنامه‌های فشرده‌ای آموزش، گردش شتابان کار روزانه مدارس، مراکز آموزشی و تمرکز عمده‌ای آن‌ها بر پیشرفت تحصیلی و آماده‌سازی محصلان برای موفقیت در کنکور دانشگاه‌ها، هیچ فرصت و امکانی برای محصلان جهت توسعه روحی و معنوی و یافتن شخصیت خویش باقی نمی‌گذارد (مهری، ۱۳۸۳، ص ۱۱۵). در این قسمت، با تکیه بر حدیث امام صادق^(ع) که دوره‌های رشد را به سه قسمت تقسیم کرده‌اند و نیز بر اساس ویژگی‌هایی که این سه دوره دارند، کاربرد روش غیرمستقیم تربیتی به لحاظ شخصیتی توضیح داده می‌شود. حدیث به این شرح است: قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «دَعِ ابْنَكَ يَلْعَبُ سَبْعَ سِنِينَ، وَتَأْدَّبُ سَبْعَ سِنِينَ،

وَأَلْزَمَهُ نَفْسَكَ سَبْعَ سِنِينَ؛ فَإِنْ أَفْلَحَ وَإِلَّا فَإِنَّهُ مَمَّنٌ لَا خَيْرَ فِيهِ (ابن بابویه، ۱۴۱۳، ص ۴۹۲). در این حدیث، امام صادق^(ع) تربیت را به سه دوره مهم و اساسی تقسیم کرده‌اند:

۱. هفت سال اول که مشخصه اصلی آن بازی و دادن حس آزادی شخصیت به کودک است. منظور از دادن حس آزادی به کودک این است که آزادی دادن بی‌حد و حصر نباشد؛ بلکه باید زمینه‌های برای کودک مساعد گردد تا او احساس آزادی و استقلال شخصیت کند؛ زیرا هر نوع رفتاری که باعث شود که کودک در این دوره احساس تنگنا و محدودیت کند، به رشد و شکوفایی استعداد و شخصیت او لطمه خواهد زد.

۲. هفت سال دوم که ویژگی اصلی آن عید بودن و اطاعت است. کودک در این دوره برخلاف دوره اول که تمایل به آزادی داشت، به اطاعت گرایش دارد که در روایت، از آن به تأدیب کردن یاد شده است. نباید ادب کردن تا به آن سرحد باشد که رشد شخصیت متربی تحت تأثیر قرار داده و تضعیف سازد.

۳. هفت سال سوم که مشخصات عمده آن گرایش به استقلال مشاهده می‌شود؛ این استقلال با دادن مسئولیت به جوان محقق می‌گردد. در ادامه، با توجه به شاخصه‌هایی که در این حدیث برای دوره‌های مختلف تربیت معرفی شد و با کمک گرفتن از ویژگی‌های شخصیتی که روایات به توصیف آن پرداخته‌اند، به کاربرد روش غیرمستقیم در آموزش و پرورش پرداخته می‌شود.

عوامل مختلفی روی شخصیت بچه تأثیر می‌گذارد؛ امام خمینی^(ع) با توجه به جملات متعدد مذکور که از حدیث امام صادق^(ع) برداشت می‌گردد، به نقش وراثت از دیدگاه اسلام پرداخته‌اند و به‌طور مستقیم وراثت را به‌عنوان یکی از راه‌های اثرگذار بر تربیت کودک، برای عموم مطرح کرده است. محیط نیز در رشد شخصیت کودک به‌طور مستقیم و غیرمستقیم اثرگذار است. بچه در محیط خانه هم به‌طور عمدی، یعنی با تصمیم و اراده والدین و هم به‌طور غیرعمدی، یعنی به‌طور ناخودآگاه و غیرمستقیم تربیت می‌شود. توجه به تربیت غیر عمد اهمیت بسزایی دارد. چه آنکه والدین بخواهند یا نخواهند رفتاری را در کودک ایجاد کند یا نکند، ایجاد می‌شود

و در برخی موارد هم که خود ناهمی آن اعمال می‌باشند، ولی فرزندان از قبل و از مشاهده رفتار والدین و محیط برداشت می‌کند و یاد می‌گیرد. اینجاست که علاوه بر گفتار، والدین باید با رفتار خود به هدایت طفل کمک کنند؛ یعنی باید والدین مراقب رفتارهای خود و محیط پیرامون بچه باشد. امام (ره) تنها توجه خود را به تربیت عمدی محدود نکرده است، بلکه به رفتارهایی که ممکن است کودک در خانه به‌طور ناآگاه و غیرمستقیم از پدر و مادر و دیگر اعضاء کسب کند اشاره می‌کند. در این خصوص می‌فرمایند:

«اول مدرسه‌ای که بچه دارد دامن مادر است، مادر خوب بچه خوب تربیت می‌کند و خدای نخواستہ اگر مادر منحرف باشد بچه از همان توی دامن مادر منحرف بار می‌آید...» (جاویدی، ۱۳۸۳، ص ۳۳).

۲-۲. به لحاظ روانی

یکی دیگر از انواع تربیت خانوادگی، تربیت عاطفی کودک است. منظور از تربیت عاطفی، برآوردن نیازهای روانی متربی است. وظیفه خانواده به برآوردن نیازهای مادی صرف محدود نمی‌گردد، چه‌بسا که برآوردن نیازهای عاطفی و روانی کودک (متربی) مقدم بر مسائل دیگر باشد.

محبت‌های صادقانه مادر، نوازش‌های پرمهر پدر، دستگیری بدون چشم‌داشت و خالصانه والدین، در آغوش گرفتن‌ها، نوازش کردن‌ها و دلسوزی‌ها برای او همه و همه زمینه‌هایی جهت برآوردن نیازهای عاطفی کودک (متربی) است.

بااینکه در اسلام درباره اظهار علاقه نسبت به کودکان، بسیار سفارش شده است؛ اما این مهرورزی و علاقه نباید مصالح واقعی را تحت الشعاع قرار دهد، بلکه می‌بایست با اظهار محبت مهارشده، با کودکان رفتار کرد. زیرا در برخی از موارد، اظهار محبت بی‌حساب، باعث فدا شدن مصالح بزرگ‌تری می‌شود و یا موجب سوءاستفاده کردن کودک گردیده و اثرات سوئی را بر روان کودک بر جای می‌گذارد و سبب؛ پُرتوقعی، زودرنجی، ضعف در برابر مشکلات، ناامیدی، عقده حقارت، سرخوردگی از اجتماع و به اصطلاح نازدانه بار آمدن او می‌شود. لذا این امر مسبب

بسیاری از فشارهای روانی دیگر که زاییده همین ارتباطات مهرآمیز افراطی هست، برای کودک می‌شود. امام باقر^(ع) در این باره می‌فرماید:

«شَرُّ الْأَبَاءِ مَنْ دَعَاهُ الْبِرُّ إِلَى الْإِفْرَاطِ وَ شَرُّ الْأَبْنَاءِ مَنْ دَعَاهُ التَّقْصِيرُ إِلَى الْعُقُوقِ»؛ بدترین پدران کسی است که (در نیکی از حد اعتدال خارج شود و) به زیاده روی بگراید و بدترین فرزندان، فرزندی است که در اثر کوتاهی به عاق والدین دچار شود (شمیم یاس، ۱۳۸۴، ص ۱۲).

بر اساس تحقیقات روان‌شناسان اجتماعی و روان‌کاوان درباره کودکان از جوامع مختلف کمبود یا عدم محبت عواقب خطرناکی را برای فرد و جامعه به بار می‌آورد. اطفالی که در دوره کودکی محبت نبیند در بزرگی خشن، ناهموار و عقده‌ای بار می‌آیند، منشأ بسیاری از شرارت‌ها و جنایت‌های کودکان و نوجوانان و حتی بزرگسالان کمبود محبت است (قائمی، ۱۳۸۷، ص ۴۷)؛ یعنی حتی رفتار و نیت قلبی مادر در دوره قبل از تولد؛ روی سرنوشت کودک تأثیر منفی و مثبت گذاشته و اثرگذار است.

مرحوم فیض^(ره) در تفسیر صافی می‌فرماید: وقتی دو ملک مصور می‌آیند که بچه را تصویر و صورت‌بندی کنند خطاب می‌شود به آن دو ملک که نگاه کنید به پیشانی مادر و سرنوشت این بچه را از آنجا برداشت کنید و همان را قضا و قدر (سرنوشت) این بچه در زندگی او قرار دهید (Khanevadehmovafag.persianblogf.ir).

نکته دیگر اینکه یک اصل کلی وجود دارد و آن این است که والدین ابتدا باید خویشتن را تربیت کنند. اگر والدین خودشان دارای صفات نکوهیده باشند، امکان ندارد در فرزندانشان، صفات پسندیده را به وجود آورند. قرآن کریم در این باره می‌فرماید:

«أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَ تَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ وَ أَنْتُمْ تَتْلُونَ الْكِتَابَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ» (بقره، ۴۴)؛ آیا شما مردم را به نیکی امر می‌کنید، درحالی که خویشتن را فراموش کرده‌اید. فرزندان ما هرگونه باشند: خوش رفتار یا بد رفتار، راست‌گویا دروغ‌گو، حسود یا خیرخواه همه این صفات را از پدر و مادر خود کسب کرده‌اند (شکوهی، ۱۳۸۸، ص ۲۳).

در این خصوص حضرت امام (ره) می‌فرمایند: «...بچه‌هایی که از دامن مادر جدا شده‌اند و در پرورشگاه‌ها رفته و در آنجا بزرگ شده‌اند. بدان این‌ها اجنبی هستند، چون این‌ها محبت مادر ندیده‌اند، عقده پیدا می‌کنند، این عقده منشأ همهٔ مفاسدی است که در بشر حاصل می‌شود. این جنگ‌هایی که پیدا می‌شود از عقده‌هایی است که در انسان در دوران کودکی به وجود می‌آید، بچه‌های شما را اگر از شما جدا کردند، حتماً به واسطهٔ نداشتن محبت مادر عقده پیدا می‌کنند و در آیندهٔ نه‌چندان دور، به فساد و تباهی کشیده می‌شوند و...» (امام خمینی، ۱۳۵۸، ص ۲۹۲-۲۹۴).

۳-۲. به لحاظ اجتماعی

فرهنگ جامعه توسط بزرگ‌ترها به نسل جدید انتقال می‌یابد. در میان جامعه فرد، تأثیر و تأثر متقابل می‌پذیرد. جامعه در فرد اثر گذاشته، آداب و فرهنگ خود را به او منتقل می‌سازد و او را همفکر و همسو با خود می‌گرداند. فرد نیز به نوبه خود در جامعه اثر گذاشته و جامعه را سروسامان می‌دهد. انسان در جامعه پرورش می‌یابد، آداب و رسوم و افکار و ارزش‌های آن را می‌پذیرد، شخصیت خود را می‌سازد و با جامعه هماهنگ می‌گرداند.

فرهنگ‌پذیری انسان از جامعه، نه تحمیلی و اجباری است چنان‌که بعضی از جامعه‌شناسان تصور کرده‌اند، نه بر اثر تقلید کورکورانه و بی‌هدف است، چنان‌که گروهی دیگر پنداشته‌اند، بلکه انطباقی است. آگاهانه و با اراده و اختیار و هدف‌دار، اما ممکن در برخی موارد به صورت غیرمستقیم و ناخودآگاه باشد. کودک با حرص و ولع افکار و رفتار افراد هم‌سن و سال خود را می‌نگرد. آنچه را مناسب تشخیص داد، می‌پذیرد تا هرچه زودتر به صف بزرگسالان بپیوندد و به عضویت جامعه درآید؛ ولی چنین هم نیست که همه چیز را بپذیرد و همیشه خود را به رنگ محیط درآورد. امام صادق (ع) فرمود: «هر که در نفس خود پنددهنده‌ای نداشته باشد، پندهای مردم برایش سود ندارد». به هر حال، کودک برای اجتماعی شدن آماده است، چون در جامعه زندگی می‌کند، تدریجاً با آداب و رسوم و فرهنگ جامعه آشنا می‌شود و رفتار خود را با جامعه منطبق می‌سازد (امینی، ۱۳۸۹، ص ۶).

۳. مصادیق روش‌های غیرمستقیم تربیتی

مصادیق، جمع مکثر مصداق به معنای چیزی است که صدق دیگری از او دریافت شود، نمونه، آثار چیزی که دلیل راستی باشد، دلیل راستی سخن، آنچه بر راستی آن دلالت کند، مجازاً آنچه موافق چیزی باشد، موافق آنچه منطبق بر امری گردد؛ آمده است (دهخدا، ۱۳۲۷). اما در اصطلاح منطق، موجود خارجی که مفهوم بر آن صدق کند؛ مثلاً حسن، حسین و رضا مصداق‌های مفهوم انسان هستند.

روش غیرمستقیم به این معناست که از اعمال مستقیم و رودرو با مخاطب پرهیز شود. انجام این کار بستگی به تجربیات هنری، فهم فکری و درایت علمی مربیان و مبلغان گرامی دارد که برای ابلاغ پیام خود چه روشی را برمی‌گزینند و چه راه‌های را اختیار می‌کند. بررسی این روش‌ها با هر هدفی که باشد، در زیر به دو بخش (عام و خاص) تقسیم گردیده و بررسی شده است. لذا روش‌های غیرمستقیم تربیتی در قالب روش‌های ذیل قابل اجرا است:

۳-۱. به صورت عام

۳-۱-۱. ابهام

گاهی لازم است مربی، برای انتقال پیام تربیتی خود، صاحبان یک صفت زشت را که در مجلس او حضور دارند به صورت مبهم ذکر کند و نامی از کسی به میان نیاورد مثل اینکه بگوید: «برخی از مردم دارای فلان صفت زشت‌اند و آنان چه بد مردمی‌اند...» و سپس در تفسیح آن صفت و یا کار ناشایسته با آن‌ها سخن بگوید؛ و یا اینکه در حضور آنان، دارندگان صفات خوب را تحسین و تمجید کند مثلاً بگوید: «...بعضی افراد یا گروه‌ها دارای چنین صفات و ویژگی هستند خوشا به حال آنان...». از خصوصیات این روش این است که شنونده برکنار از تأثیرات و نفوذ شخصیت‌ها و جمعیت‌های خاص در قضاوت خود، آزادانه درباره زشتی و یا خوبی یک رفتار خاص به داوری می‌نشینند و نگاه خود را تنها به خود عمل معطوف می‌دارد و نسبت به وجود یا عدم آن در خود، به درستی می‌اندیشد (پیام زن، ۱۳۷۷، شماره ۸۰).

در سیره رسول خدا^(ص) آمده است: «هرگاه از کسی کاری که در نظر آن حضرت ناخوش آیند بود، مشاهده می‌شد، نمی‌گفت چرا فلان شخص این کار را کرده است. بلکه می‌فرمود: چه شده است گروه‌هایی از مردم را که این‌گونه عمل می‌کنند و یا این‌چنین می‌گویند بدا به حال کسانی که این‌چنین عمل می‌کنند و... به این صورت آن حضرت از آن کار نهی می‌کرد، بی‌آنکه نامی از کننده آن عمل به میان آورد» (محدث قمی، ۱۴۰۳ ق، ص ۶۶).

۲-۱-۳. ذکر الگو

به‌رغم وجود عوامل محدودکننده انسان مانند وراثت، طبیعت و جامعه، انسان می‌تواند به اراده خود مسیر خویش را برگزیند و از حصار عوامل محدودکننده در اطراف خود بیرون آید؛ حتی این توانایی را پیدا می‌کند که سرنوشت جدیدی را برای جامعه و تاریخ خود رقم زند (پاسدار اسلام، ۱۳۸۵، شماره ۲۹۸).

نقل یک داستان یا نمونه تاریخی گاهی به‌منظور ارائه الگو و اسوه است تا شخص مورد تربیت وضعیت روحی و اخلاقی خود را با آن مورد معرفی شده، تطبیق داده و همسو کند. که در این خصوص در مباحث گذشته به حد کافی سخن گفته شد- و گاهی هم به‌منظور انتقال پیام و رساندن یک حقیقت اخلاقی و انسانی به دیگری انجام می‌پذیرد. در صورت نخست، کار تطبیق به عهده فرد و یا گروه مورد تربیت واگذار می‌شود و کار مربی صرفاً نشان دادن نمونه مناسب است، ولی در صورت دوم، نقل یک داستان و یا نمونه تاریخی، ابزاری برای انتقال پیام است و شخص مربی وضعیت رفتاری خود را، بر موضوع و محتوای آن تطبیق کرده و از این طریق به او می‌فهماند که او نیز به آنچه در قصه آمده گرفتار است و باید در وضع خود تجدیدنظر کند.

قرآن به تأثیرپذیری انسان از محیط و شرایط گوناگون اذعان می‌دارد و به او نسبت به تأثیرات آن‌ها هشدار می‌دهد. در مورد فرزند حضرت نوح^(ع) خداوند به‌صراحت می‌فرماید: او از اهل تو (نوح) نیست؛ زیرا به دلیل متأثر شدن از عوامل محیطی ناصالح، از مسیر صلاح و درستی خارج شده است (سوره هود، ۴۶-۴۲). این خود

برای ما الگو است که اگر کسی از سنت‌های الهی خارج شود ولو اینکه فرزند بلا واسطه پیامبری مثل نوح باشد، خداوند او را مجازات خواهد کرد.

در جای دیگر خداوند متعال به ستایش از جوانان «اصحاب کهف» می‌پردازد که با هجرت از محیط فاسد، خود را از عوامل الگوی محیطی ناسالم دور ساختند و ایمان خویش را حفظ کردند (سوره کهف، ۲۶-۹). از این مطلب این نکته الگو گرفته می‌شود که اگر جایی یا مکانی برای زندگی انسان نامناسب باشد و انسان نتواند دین و ایمان خود را در آن مکان حفظ کند، هجرت و فرار از آن محیط کار پسندیده و مورد تأیید دین مبین اسلام است.

همچنین می‌توان گفت: اقدام شجاعانه سحره فرعون و زیر پا گذاشتن موقعیت اجتماعی خود و ایمان آوردن به حضرت موسی (ع) الگوی توبه حقیقی برای دیگران است (سوره اعراف، ۱۱۳ و ۱۲۰؛ سوره یونس، ۸۰ به بعد؛ سوره شعراء، ۳۸-۴۶).

۳-۱-۳. عطف خطاب به مخاطب فرعی

از صورت‌های رایج این نوع از خطاب این است که مربی برای رساندن آراء و افکار تربیتی خود به شخص یا گروه موردنظر خویش وجهه سخن خود را متوجه شخص سوم می‌کند و باینکه در حقیقت مخاطب اصلی دیگران اند او را در ظاهر به عنوان مخاطب برمی‌گزیند و از این طریق، اصطلاحاً به عنوان «ایّاک اَعْنِی وَ اِسْمَعِیْ یَا جَارَةُ» یاد می‌شود و این صورت به دو شکل عملی می‌شود.

گاهی مربی به خاطر اهمیت یک موضوع و نشان دادن این اهتمام به افراد موردنظر خود، شخصی را که در نظر آنان دارای منزلت رفیع و مقام والایی است، به فرض داشتن فلان صفت زشت، مورد سرزنش و عتاب خویش قرار می‌دهد تا به آنان بفهماند که داشتن آن صفت به قدری زشت و در نظر او ناپسند و مردود است که حتی اگر فرضاً آن شخص بلندمرتبه نیز دارای آن باشد به توبیخ و مجازات او گرفتار خواهد شد، چه رسد به اینکه سایر افراد این گونه باشند.

۴-۱-۳. عمل

در این روش، نخست معلم با بیانی کوتاه و رسا، قواعد و اصول کلی انجام عمل

را توضیح می‌دهد و سپس محصلان را به‌طور عملی، با مسئله درگیر می‌کند و در حین عمل، توضیح‌های لازم را برای مشکلات پیش‌آمده بیان می‌کند؛ بدین ترتیب، محصلان را در حل مسائل یاری و هدایت می‌کند و به آنان در زمانی کوتاه مهارتی می‌آموزد.

گرچه قبلاً هم در رابطه به روش عملی، سخنانی گفته شد و اهمیت این روش از نظر آیات و روایات بررسی گردیدند، مضاف بر آن، بعضی اوقات ممکن است برخی مخاطبان در فهم این روش دچار اشتباه شوند و برخی از اعمال مربی را به اشتباه، از فروع آن عمل تلقی کنند یا در نحوه انجام برخی از اجزای آن عمل دچار اشتباه شوند (داوودی، ۱۳۹۱، ص ۱۲۱). برای جبران این نقص قرآن کریم نیز، گاهی در خطاب‌های خود از این روش سود جسته است، برای نمونه می‌فرماید: «وَلَقَدْ أَوْحَىٰ إِلَيْكَ وَإِلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكَ لَئِنْ أَشْرَكَتَ لَيَحْبَطَنَّ عَمَلُكَ وَلَتَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ» (سوره زمر، ۶۵)؛ به‌سوی تو و پیشینیان تو وحی کردیم که اگر شرک بورزی عملت را تباه خواهیم ساخت و از زیانکاران خواهی بود.

ممکن است این آیه شریفه همچنان که برخی مفسران گفته‌اند، از همین باب باشد زیرا وقتی خداوند متعال پیامبر گرامی اسلام و دُرْدانه آفرینش را بر فرض کمترین شرکی این چنین وعده زیانکار و مجازات می‌دهد، پس این عاقبت خسارت‌بار برای دیگران به‌طریق اولی ثابت است (شبر، ۱۴۱۲ ق، ص ۴۳۸).

علامه طباطبائی، در تأیید به‌کارگیری روش عملی در تعلیم و تربیت می‌گوید: روشی را که قرآن در تعلیم و تربیت به کار گرفته، عمل است. قرآن در طول ۲۳ سال برای آموزش مردم آنان را به انجام اعمال وادار کرده است و انجام اعمال، آن‌ها را تجزیه و تحلیل کرده، صلاح و اشتباهاتی را که در عمل داشتند، بیان کرده است و تعلیمات بعدی‌اش را با همین تجزیه و تحلیل آغاز کرده است (صالحی و احمدی، ۱۳۸۷، ص ۳۷)؛ و می‌فرماید:

«مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْشَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (سوره نحل، ۹۷)؛ هرکس عمل صالح کند، در

حالی که مؤمن است، خواه مرد باشد یا زن، به او حیات پاکیزه می‌بخشیم و پاداش آن‌ها را به بهترین اعمالی که انجام داده‌اند خواهیم داد. به این ترتیب نواقص و موارد انحراف را مذمت و نقاط قوت را مدح و تحسین کرد: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ» (سوره نحل، ۹۰)؛ خداوند فرمان به عدل و احسان و بخشش به نزدیکان می‌دهد و از فحشاء و منکر و ظلم و ستم نهی می‌کند، خداوند به شما اندرز می‌دهد شاید متذکر شوید.

بنابراین، قرآن کتاب علم و عمل است، نه فرضیه و تئوری؛ کتابی که قدم‌به‌قدم با نوآموزان خود جلو آمده، مفاسد و نواقص اعمال آنان را در برابر عقل آنان قرار می‌دهد تا با عقل خود، موارد انحراف و اشتباه را دریابند و درصدد اصلاح آن برآیند. معصومین^(ع) در مواردی که مشاهده می‌کردند فردی در ادای اعمال دینی دچار اشتباه شده است، به او تذکر می‌دادند و نحوه انجام صحیح آن را بیان می‌کردند. به عنوان مثال به چند نمونه توجه فرمایید:

ابوعبدالله اشعری می‌گوید: روزی پیامبر^(ص) با یاران خود نماز خواند. سپس در میان گروهی از یاران خود نشست. مردی وارد شد و نماز خواند، درحالی که رکوع و سجده کردنش مانند منقار زدن مرغ به زمین بود. پیامبر هم او را نگاه می‌کرد، فرمود: می‌بینید! این مرد اگر از دنیا برود بر دین من نمرده است. در نمازش نوک بر زمین می‌زند، چنانکه کلاغ برای خوردن خون بر زمین نوک می‌زند. مثل کسی که نماز می‌خواند اما رکوع نمی‌کند و در سجده نوک بر زمین می‌زند، مانند گرسنه‌ای است که جزی یک یا دو دانه خرما نمی‌خورد و گرسنگی‌اش را برطرف نمی‌کند. باز هم از پیامبر روایت شده که ایشان فرمود: «صَلُّوا كَمَا رَأَيْتُمُونِي أُصَلِّي»؛ همانگونه که من نماز می‌خوانم، نماز بخوانید.

به نظر می‌رسد این روش در مقایسه با روش بیان شفاهی و مستقیم، مؤثرتر است؛ زیرا در توضیح مستقیم، مخاطب ممکن است مراد گوینده را یا مراد خود را به درستی نفهمد؛ اما در آموزش عملی میزان نارسایی به حداقل می‌رسد (داوودی، ۱۳۹۱،

ص ۱۲۰).

۵-۱-۳. هنر

از مصداق‌های واضح روش غیرمستقیم تربیتی، زبان هنر است. البته مقصود از هنر در اینجا، جلوه‌هایی از آن است که به گونه غیرمستقیم با مخاطبان خود سخن می‌گوید، از قبیل فیلم، نمایش، نقاشی و طراحی و ... که تأثیر تعیین‌کننده و وسیع آن در گروه‌های مختلف مردم قابل انکار نیست.

از امام علی^(ع) روایت است که فرمود: هرگاه فردی در نزد پیامبر^(ص) دروغ می‌گفت ایشان تبسم می‌نمود و می‌فرمود: حرفی است که او می‌گوید.

طبق این روایت پیامبر اعظم^(ص) به صورت غیرمستقیم می‌فهماند که دروغ بد است و نزد حضرت^(ص) جایگاهی ندارد؛ یعنی تعبیر این که حرفی است که او می‌گوید کنایه است که مورد قبول من نیست و نباید دروغ گفت.

در حدیث معروفی آمده است که پیامبر^(ص) در جنگ بدر دستور داد اجساد کفار را بعد از پایان جنگ در چاهی بیفکنند سپس آن‌ها را یکی صدا می‌زد و می‌فرمود: «آیا شما آنچه را که خدا و رسولش وعده داده بود به حق یافتید من که آنچه را خداوند به من وعده داده بود به حق یافتم». در اینجا عمر اعتراض کرد و گفت ای رسول خدا چگونه با اجساد سخن می‌گویی در حالی که روح در آن نیست. پیامبر^(ص) فرمود: شما سخنان مرا از آن‌ها بهتر نمی‌شنوید چیزی که هست آن‌ها توانایی پاسخگویی ندارند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ص ۲۳۳)؛ یعنی اینکه پیامبر اسلام^(ص) با مردگان سخن می‌گوید به صورت غیرمستقیم دارد بیان می‌کند که آن‌ها درک دارند.

۲-۳. به صورت خاص

آنچه بیان شد از موارد عام و بارز انتقال پیام به صورت غیرمستقیم بود. در اینجا مصادیق روش‌های خاص غیرمستقیم تربیتی به لحاظ فردی بیان می‌گردد:

۱-۲-۳. نصیحت در پنهانی

برخی از مردم وقتی کار خطایی، یا عیبی را از کسی مشاهده می‌کنند، بی‌درنگ پیش

چشم دیگران آن را برای او بازگو می‌کنند و در جمع مردم به او تذکر می‌دهند. این کار، گذشته از اینکه آبروی او را می‌برد و سایر افراد را که ممکن است اصلاً متوجه خطای او نشده‌اند، از عمل و رفتار او آگاه می‌سازد- چنین امری شاید از مصادیق اشاعه فحشا هم به حساب آید؛ زیرا نصیحت و تذکر را بی اثر ساخته و ممکن است موجب دشمنی و عداوت او نیز با مربی شود. در حالی که صرف نظر کردن از بیان آن در آن مجلس و یادآوری آن مطلب به او در خارج از آن مجلس و در پنهانی، تأثیر سخن را چندین برابر می‌کند؛ زیرا مربی با این عمل، نهایت صداقت و دلسوزی خود را برای مربی ثابت کرده و با جلب اعتماد او، به اهداف تربیتی خود نیز نزدیک‌تر می‌شود. این نکته بخصوص در ارتباط والدین با فرزندان خود از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است زیرا پدر و مادر از هر کس به این امر سزاوارترند که در عین دلسوزی و مراقبت از حال فرزندان خود و هدایت و تذکر به موقع خطاهای آن‌ها، عیب پوش جوانان و نوجوانان خویش باشند و نقایص و خطاهای آنان را، نباید نزد هیچ‌کس و هیچ جمعی برملا کنند.

امام عسکری^(ع) فرمودند: «مَنْ وَعَظَ أَخَاهُ سِرًّا فَقَدْ زَانَهُ وَمَنْ وَعَظَهُ عَلَانِيَةً فَقَدْ شَانَهُ»؛ هر کس برادر دینی خویش را در پنهانی پند و اندرز دهد مایه زینت او شده و کسی که او را در حضور دیگران اندرز دهد مایه خاری او شده است (حرانی، ۱۴۰۳ ق، ص ۳۶۸).

۲-۲-۳. فرصت‌یابی

گاهی ممکن است از کسی سخنی یا عملی نادرستی صادر شود. در چنین شرایطی مربی برای خود لازم می‌داند تا خطای او را گوشزد، فکر و اندیشه او را اصلاح کند. ولی زمان و یا مکان صدور آن به‌گونه‌ای است که مربی باید در یک فرصت و شرایط مناسب‌تر به این کار اقدام کند تا نتیجه‌ی بهتر حاصل شود.

برای مثال، فرض کنید جوانی به عادت ناپسند اعتیاد مبتلا است و اراده و همت ترک آن را در خود نمی‌بیند. در این صورت مربی باید منتظر فرصت بماند تا در موقعیت مناسب، از خود او اقرار بر توانایی خودش بگیرد، مثلاً زمانی سخن از اعتیاد

به مواد مخدر به میان آورد و مضرات خانمان‌سوز آن را یادآوری کند و ضرورت ترک آن از سوی معتاد را گوشزد کند. همین‌که آن فرد با مربی هم‌عقیده شد، به او بگوید تو که معتقدی! باید شخص معتاد به هروئین، خود را از دام آن نجات بخشد. باینکه ترک چنین اعتیادی بسیار سخت و پرنج است. پس چگونه بر ترک عادت زشت خود تصمیم نمی‌گیری و در قبال آن از خود ضعف نشان می‌دهی؟

۳-۲-۳. قبول فرضی

از نمونه‌های دیگری که می‌توان آن را از مقوله روش غیرمستقیم تربیتی برشمرد، این است که مربی صفت خوبی را که در شخص مورد تربیت خود نمی‌بیند این چنین وانمود کند که معتقد است آن صفت در او موجود است. مثلاً بگوید من خبردارم که تو دارای این صفت خوب هستی، انشاءالله این خبر درست باشد و از خوبی‌های که من درباره شما شنیده‌ام و معرفی شده‌ایم، بالاتر باشید. در این صورت برای او تبریک گوید. سپس در زمینه خوبی‌های آن صفت و یا کار با او سخن بگوید و همچنین اگر آن شخص دارای عمل بدی است، پیامدها و عواقب آن را برای او ذکر کند، آنگاه در مذمت آن، با او به گفتگو بنشیند و چند مثال و نمونه از جامعه و تاریخ بیاورد (شعبانی، ۱۳۷۴، ص ۶۹).

بی‌تردید توجه و به‌کارگیری روش غیرمستقیم، به این شکل برای تربیت همه توده‌ها، بخصوص در تربیت نسل جوان و در شرایط کنونی، از ضرورت‌های هر نهاد تربیتی است. بدون تردید که چنین اقبالی نتایج خوبی در صحنه تربیت به بار خواهد آورد.

۴. شرایط روش‌های غیرمستقیم تربیتی

روش غیرمستقیم دارای سه رویکرد مختلف است، این رویکردها عبارت‌اند از:

۱-۴. روش غیرمستقیم تعاملی

در این رویکرد، رُخدادهای آموزشی در کلاس درس در حضور معلم اتفاق می‌افتد، اما معلم باید سعی کند نیازها را از دریچه نگاه محصلان بررسی کند و آنان را در فهم

نیازها و انتخاب راهبردها کمک نماید تا آنان بتوانند به‌طور مؤثر تصمیمات خود را عملی سازند و تجارب یادگیری خود را شخصاً هدایت کنند. در رویکرد تدریس غیرمستقیم تعاملی، معلم اندیشه‌ها و تفکرات خود را به محصلان دیکته نمی‌کند، بلکه چون آینه‌ای تفکرات و احساسات محصلان را منعکس می‌سازد و با استفاده از اظهارنظرهای منطقی ادراک‌ها و فعالیت‌های دانش‌آموزان را جهت می‌دهد. اگر دانش‌آموزی در دستیابی به اهداف آموزشی یا توانایی در مطالعه دچار مشکل شود، معلم سعی نمی‌کند مشکل را تنها با توضیح باری از اطلاعات برطرف سازد، بلکه به او کمک می‌کند که با انتخاب راهبردهای مناسب خود شخصاً در جهت حل مسئله اقدام نماید و او برای کمک به دانش‌آموزان به‌عنوان یک تسهیل‌کننده رخدادهای آموزشی علاقه نشان می‌دهد و از داوری یا نتیجه‌گیری اخلاقی پرهیز می‌نماید. محصلان در احساسات خود کاملاً آزاد هستند و روابط معلم با دانش‌آموز فارغ از هرگونه فشار و تحمیل است. معلم از جهت‌گیری فردی یا واکنش به‌صورت رفتار انتقادی اجتناب می‌ورزد و به‌جای پرسشگر مستقیم، به محصلان اجازه می‌دهد اظهارنظر کنند و به جریان تفکر و احساسات خود جهت دهند.

یکی از مسائلی که همواره معلمان باید مورد توجه قرار دهند، ایجاد رابطه بین سبک‌های یادگیری و روش‌های تدریس غیرمستقیم است که باید معلم به تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان توجه زیاد داشته باشد و زمینه پیشرفت آن‌ها را بر اساس توان فردی فراهم سازد (شعبانی، ۱۳۷۴، ص ۲۰۲).

۲-۴. روش غیرمستقیم هدایت‌شده

این نوع فعالیت‌های آموزشی معمولاً در مدرسه و با سرپرستی و هدایت معلم انجام می‌شود. این نوع رویکرد تدریس غیرمستقیم بیشتر به «آموزش انفرادی» معروف است، زیرا آموزش انفرادی و پیشرفت بر اساس توان فردی محور فعالیت‌های آموزشی در این رویکرد است. در این رویکرد محتوای آموزشی به نحوی سازمان‌دهی می‌شود که محصلان می‌توانند با حضور یا بدون حضور معلم، به‌طور مستقل به مطالعه و تجارب یادگیری بپردازند. نظام آموزشی موظف است امکانات لازم و

مورد نیاز را در محیط آموزشی فراهم سازد تا دانش‌آموزان برای مطالعه در زمانه‌ای مختلف به تناسب نیازشان در آنجا حضور یابند و به مطالعه و یادگیری بپردازند (شعبانی، ۱۳۷۴، ص ۲۰۵-۲۰۷).

۳-۴. روش غیرمستقیم از راه دور

این نوع آموزش ممکن است محلی، منطقه‌ای و یا کشوری باشد. در این روش فراگیران مجبور نیستند بر اساس برنامه‌های تنظیم‌شده در مدرسه حاضر شوند. در این رویکرد اغلب یادگیری‌ها در خارج از موسسه آموزشی اتفاق می‌افتد و دانش‌آموزان اغلب از طریق مکاتبه و یا استفاده از فناوری آموزشی جدید، مثل کنفرانس رایانه‌ای و اینترنت با معلمان خود ارتباط برقرار می‌کنند (educationforall.persianblog.ir). این رویکرد آموزشی برای کسانی طراحی شده است که به دلایل مختلف نمی‌توانند خود را با محدودیت‌های خشک و سخت نظام آموزشی رسمی وفق دهند. در آموزش از راه دور دانش‌آموزان مجبور نیستند بر اساس برنامه‌های تنظیم‌شده در مدرسه حضور یابند. آن‌ها می‌توانند از امکانات وسیعی چه در درون مؤسسه آموزشی و چه در خارج از آن استفاده کنند. در این رویکرد اغلب یادگیری‌ها در خارج از مؤسسه آموزشی اتفاق می‌افتد و دانش‌آموزان اغلب از طریق مکاتبه، تماس تلفنی و یا استفاده از فناوری آموزشی جدید مانند رایانه‌ای و کنفرانس از راه دور و یا با استفاده از شبکه‌های اینترنت با معلمان خود ارتباط برقرار می‌کنند.

قوانین اجرایی و آموزشی در این رویکرد به اندازه کافی انعطاف‌پذیر است تا محصلان با سطوح مختلف توانایی و علائق بتوانند از عهده مسئولیت‌های یادگیری و پیشرفت تحصیلی خود برآیند. برنامه‌های درسی علاوه بر خودآموزی بودن، دارای کتابچه‌های راهنمای مطالعه نیز هست. همچنین محصلان می‌توانند از مواد آموزشی انفرادی شنیداری-دیداری مانند نوار ویدئو یا از مراکز منابع چندرسانه‌ای استفاده کنند؛ این امکانات باید از طریق مراکز آموزشی برای آنان فراهم شود (شعبانی، ۱۳۷۴، ص ۲۰۷-۲۰۸).

۴-۴. بایدها و نبایدهای تربیت غیرمستقیم

از منابع دینی و کتاب‌های تربیتی دانسته می‌شود که به‌کارگیری روش غیرمستقیم تربیتی در تربیت، بستگی به هنر و دانایی مربی و نیز مساعدسازی و شناخت شرایط روش غیرمستقیم تربیتی دارد؛ یعنی هرچقدر که مربی دانا و فهمیده باشد؛ به همان اندازه در استفاده و به‌کارگیری روش‌های غیرمستقیم تربیتی موفق‌تر عمل خواهد کرد. بنابراین ایجاد شرایط و فهم آن در امر تعلیم و تربیت و به‌خصوص روش غیرمستقیم لازم و ضروری است، به برخی از این شرایط توجه فرمایید:

یک: معلم باید با صمیمیت با دانش‌آموزان ارتباط نزدیک برقرار کند و به هر سؤال یا جمله‌ای که از طرف دانش‌آموزان سؤال می‌شود، باید پاسخ کامل و منطقی داده شده و سعی شود که در پاسخ‌دهی آن اهمیت وجودی هر فرد را پررنگ کند تا این حس به دانش‌آموزان دست دهد که هر یک از آن‌ها اهمیت و نقش خاصی در کلاس دارند.

دو: جو کلاس بر اساس آسان‌گیری پیش رود تا همه بتوانند از عواطف و احساسات خود صحبت کنند. به بیان احساسات پاداش کلامی داده شود تا دانش‌آموزان تشویق به تفکر و توجه بیشتر به احساساتشان معطوف گردد.

سه: یکی از قوانین اجرای تدریس غیرمستقیم این است که شاگردان در بیان احساسات آزاد هستند ولی این آزادی به این معنی نیستند که شاگرد جو کلاس یا معلم را کنترل کنند. لذا معلم باید هوشیار باشد که در ضمن صمیمیت که کسی از چنین برنامه‌ای سوءاستفاده نکند و بر اساس موضوع صحبت و چگونگی پیش رفتن در کلاس، باید تذکراتی کاملاً قاطع بدهد.

چهار: معلم باید دانش‌آموزان را به ابراز احساسات منفی و مثبت ترغیب کند و با طرح سؤال کمک کند تا شاگردان، استعداد، افکار و احساسات خود را بیان کنند تا آن‌ها را به‌خوبی درک و بشناسد.

پنجم: دانش‌آموز باید به تدریج بینشی یابد و روابط علی و معلولی بین اتفاقات مثبت، منفی و احساسات و افکار خود را پیدا کند و در این قسمت معلم باید آن‌ها را

توسط راهنمایی مستقیم و غیرمستقیم هدایت کند تا دانش آموزان معنی رفتار گذشته خود را بفهمد.

ششم: دانش آموز باید در جهت طرح ریزی و تصمیم گیری با توجه به مسئله حرکت کند. نقش معلم در این مرحله روشن ساختن رفتارهای جایگزین است و کمک به دانش آموز برای اجرای بهتر آن‌ها نیز لازم و ضروری است.

هفتم: دانش آموز گزارشی از اقداماتی که در نظر دارد باید انجام دهد و اقدامات مثبت‌تر و یکپارچه‌تر توسط معلم تشویق شود و در صورت لزوم برنامه ریزی و الگودهی روشن ارائه گردد (www.javabgoo.isri.ac.ir/index.php).

نتیجه گیری

روش‌های غیرمستقیم با توجه به منابع دینی و سیره اولیاء الهی مورد استفاده و کاربرد پیشوایان معصوم قرار گرفته است. آموزش وضوی صحیح با روش غیرمستقیم به پیرمردی که وضوی آن باطل بود، از سوی امام حسن و امام حسین (ع)، تأکید فراوان روان‌شناسان بر این روش در امر تربیت، روایت نقل شده از امام صادق (ع) و شواهدی دیگر که بررسی شدند، اهمیت و ضرورت به کارگیری روش‌های غیرمستقیم در تعلیم و تربیت آشکار گردید.

بنابراین روش غیرمستقیم به صورت یک روش معمولی در خطاب‌های قرآن کریم و روایات معصومین (ع) به کار گرفته شده است و در کنار روش مستقیم تربیتی می‌تواند مکمل آموزش صحیح در امر تعلیم و تربیت باشد.

غفلت و ناآگاهی از این روش‌های تربیتی، می‌تواند در وهله نخست، آموزش را سرد، کند و حتی به قهقرا بکشانند؛ اگر مربی از این روش‌های آموزشی معرفت لازم و شناخت کامل نداشته باشد، ممکن است در همان روز اول و مرحله نخست کاری خود با مشکلات عدیده و ناهنجاری‌های فراوان روبرو گردد؛ زیرا فهم و آگاهی از این روش‌های تربیتی برای تمامی آموزگاران خصوصاً آموزگار تازه کار، شدیداً ضرورت دارد. لذا اگر معلمی بدون در نظر داشت اصول این روش‌های آموزشی وارد کلاس شود،

ممکن است شاگردان در همان روزهای اول درس، مانند انفجاری علیه استاد جبهه گرفته، به لجبازی و عناد برخیزند و تا سرحد سقوط و انفکاک استاد مصمم شده و باهم یکپارچه شوند.

فهرست منابع و مآخذ

قرآن کریم.

۱. ابی جعفر بن محمد یعقوب بن اسحاق الكلینی الرازی، (۱۴۰۳)، اصول کافی، شرح و ترجمه: سید جواد مصطفوی، بیروت: انتشارات علمیه اسلامیة.
۲. «اصول، اهداف، روش‌ها و فنون تربیت دینی»، (۱۳۹۱)، مجله پاسدار اسلام، شماره ۳۷۵.
۳. امام خمینی، سید روح‌الله، (۱۳۸۱)، تعلیم و تربیت از دیدگاه امام خمینی (ره)، تهران: انتشارات مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، چاپ سوم.
۴. امام خمینی، سید روح‌الله، (بی‌تا)، صحیفه امام (ره)، سخنرانی شماره ۳۹۴، مورخ: ۱۳۵۸-۵-۲۶.
۵. امینی، ابراهیم، (۱۳۸۴)، اسلام و تعلیم و تربیت، قم: انتشارات مؤسسه بوستان کتاب، چاپ دوم.
۶. بررسی تربیت کودک در روایات اسلامی و سیره عملی اهل بیت (ع)، (۱۳۸۴)، مجله شمیم یاس، شماره ۳۳، آذر.
۷. جاویدی، طاهره، (۱۳۸۳)، «نقش خانواده در تربیت کودک از دیدگاه امام خمینی (ره)».
۸. دهخدا، علی اکبر، (۱۳۲۷)، فرهنگ دهخدا، تهران: انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۹. شبر، سید عبدالله، (۱۴۱۲)، تفسیر القرآن الکریم، بیروت: انتشارات دار البلاغة للطباعة والنشر.
۱۰. صالحی، اکبر، مصطفی یار احمدی، (۱۳۸۷)، تبیین تعلیم و تربیت اسلامی از دیدگاه علامه طباطبایی با تأکید بر هدف‌ها و روش‌ها، دوفصلنامه علمی- تخصصی تربیت اسلامی، شماره ۳، پاییز و زمستان.
۱۱. قائمی، علی، (۱۳۷۸)، خانواده و تربیت کودک، تهران: انتشارات امیری.

۱۲. کاشمیری موسوی، سید مهدی، (۱۳۷۷)، «روش غیرمستقیم تربیتی»، مجله حقوق زن.

۱۳. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، (۱۳۷۴)، تفسیر نمونه، تهران: انتشارات دارالکتب الإسلامية.

14. Education Foroll tebyan.net

15. wiki.ahlolbait.ir

16. www.javabgoo.isri.ac.ir